

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر فعالیت شیعیان کویت

مراد کیانی پور^۱، حمیرا قاسمیان^۲، معصومه بندانی^۳

چکیده

کویت یکی از کوچکترین کشورهای عضو اتحادیه عرب بوده که در سال ۱۹۶۱ میلادی به استقلال رسید. در این کشور احزاب و گروه های سیاسی با آراء و عقاید مختلف حضور دارند و از این حیث یکی از تأثیرگذارترین کشورهای حوزه خلیج فارس محسوب می شود. از جمله مهم ترین گروه های سیاسی ساکن در کویت شیعیان هستند که در ابتدا از لحاظ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از حقوق چندانی در سطح جامعه برخوردار نبودند اما بدلیل مناسباتی که با همکیشان شیعی خود در مناطق مختلف داشتند آرام آرام در دستیابی به خواسته های خود به موفقیت هایی دست یافتند. با وقوع انقلاب اسلامی ایران و پدیده صدور انقلاب؛ شیعیان کویتی فعالیت های گسترده تر و حضور فعالانه ای در سطح جامعه یافتند و با پیگیری های مستمر در مطالبات مدنی و سیاسی از سطح حقوق مطلوبی در جامعه کویت برخوردار گشتند و به رسمیت نیز شناخته شدند. وقوع این تحولات در ساختار جامعه کویت موجب گردید تا احزاب شیعی نقش بسزایی در به حرکت درآوردن چرخه سیاسی کشور ایفا کنند.

در این مقاله به بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر فعالیت های شیعیان کویت با روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه ای پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی ایران، کویت، شیعیان

(۱) مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

(۲) کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه آزاد واحد نور

(۳) کارشناسی ارشد شیعه شناسی دانشگاه اصفهان

مقدمه

اگر چه احزاب سیاسی در کشورهای عرب نشین منطقه خلیج فارس عمدتاً سرکوب می‌شوند و از لحاظ مناسبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی همواره در تنگنا بوده‌اند اما کویت کشوری است که عمده احزاب فعال در آن نگرشی دینی و مذهبی دارند و علیرغم وجود گرایش‌های مختلف میان گروه‌ها و احزاب شیعی و سنی؛ هر کدام از این گروه‌ها در پیگیری مطالبات خود از راه‌های مسالمت‌آمیز بهره می‌جویند. نکته قابل توجه این است که رشد آگاهی اسلامی غیرسیاسی از سوی دولت کویت مورد تشویق قرار گرفته است و علیرغم این که از زمان جنگ خلیج فارس رژیم کویت موقعیت قبایل محافظه کار سنی را تقویت می‌کرد تا در برابر سنیان لیبرال و شیعیان بایستند با این حال در مواردی نیز حاکمان کویت تلاش زیادی در همگرایی شیعیان و دولت مبذول داشته‌اند لذا تعدادی از نخبگان شیعه به مجلس کویت راه پیدا کرده و نمایندگی خود را در مجلس حفظ کردند. البته نباید تأثیر انقلاب اسلامی ایران را در خط فکر و مشی سیاسی شیعیان کویت نادیده انگاشت زیرا انقلاب اسلامی روحی تازه در کالبد شیعیان جهان و بویژه گروه‌های شیعی ساکن در کویت دمید و موجبات حضور فعالانه و جدی تر آنها در مسائل سیاسی و بین‌المللی را فراهم ساخت بخصوص که رهبران شیعی کویت همواره موجودیت سیاسی خود را به تأیید مراجع تقلید ایران می‌رساندند. بدین لحاظ می‌توان انقلاب اسلامی ایران را انقلابی جهان شمول دانست که تأثیرات آن؛ هم از بُعد داخلی و هم از بُعد خارجی مورد تحسین همگان قرار گرفت.

موقعیت جغرافیایی کویت

کشور کویت با مساحت ۱۷۸۱۸ کیلومتر مربع، (برابر با ۶/۸۸۰ مایل مربع) در شمال شبه جزیره عربستان و شمال غربی خلیج فارس، بین ۲۹ و ۳۰ درجه عرض شمالی و ۴۶/۵ درجه و ۴۸/۵ درجه طول شرقی قرار گرفته (امیر ابراهیمی، بی تا: ۸۸) و جزو کشورهای کوچک طبقه بندی می‌شود. از آن جا که فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره پیرامون شهر کویت می‌چرخد و از نظر مساحت و جمعیت می‌توان مفهوم دولت شهر را بر کویت اطلاق کرد (فیلی رودباری، ۱۳۳۵: ۱۷). کشور کویت از سوی شمال و قسمتی از غرب به منطقه وادی الباطن کشور عراق در استان بصره محدود است و از سوی جنوب و قسمتی از نواحی شرقی با کشور عربستان سعودی مرز مشترک دارد. کویت از جانب شرق به طور کامل همجوار خلیج فارس است و از این حیث یکی از کشورهای حوزه خلیج فارس به شمار می‌رود (مجتهد زاده، ۱۳۷۷:

(۵۷۳) از لحاظ جغرافیایی کویت در کنار حوضه رافدین واقع است؛ حوضه ای که اطراف آن مملو از آثار تمدن های باستانی از جمله امپراتوری سومر است (جواهری، ۱۹۶۱: ۷).

قرار گرفتن کویت بین ۸ و ۳۰ درجه عرض و ۴۶ و ۴۸ درجه طول شرقی، آب و هوایی گرم برای این کشور به ارمغان آورده است (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۱۱۷) به نحوی که آب و هوای کویت مانند دیگر بنادر خلیج فارس در زمستان سرد و در تابستان گرم است. کویت که دارای زمینی بسیار مسطح می باشد بالاترین نقطه آن از سطح دریا ۳۰۰ متر ارتفاع دارد و فاقد هرگونه رودخانه و کوهستان است (موسوی، ۱۳۸۵: ۲۰). خاک کویت که عبارت از دشت وسیع شنی است در خلال آن گاهی تپه های کم ارتفاع وجود دارد. اغلب این دشت ها از شن و ماسه های رسوبی پوشیده شده است (جواهری، ۱۹۶۱: ۱۷). این وضعیت، با شیب تدریجی از بیشترین ارتفاع یعنی سیصد متر در دورترین ناحیه غربی، از سوی «السالمی و التقایا» تا ساحل شرقی خلیج فارس امتداد دارد. ناحیه شمالی کویت با تپه هایی که به صورت پراکنده در آن وجود دارد، متمایز می شود. این تپه ها با نزدیک شدن به ساحل، شکل زنجیره ای متصل در طول ساحل شمالی به خود می گیرد که نام «جان الزور» بر آن اطلاق می شود. ارتفاع این تپه های زنجیره ای شکل به حدود ۱۴۵ متر می رسد و به بیابان «ام الرمم» ختم می شود و عوارض طبیعی چون کوه و رود در کویت وجود ندارد (فیلی رودباری، ۱۳۳۵: ۱). علیرغم وجود بیابان هایی در کویت؛ در سال ۱۹۰۵ اولین چاه آب شیرین در منطقه حولی کشف شد. در سال ۱۹۵۱ شرکت نفت کویت ایستگاه کوچکی در بندر احمدی ساخت که آب دریا را شیرین می کرد و کم کم این ایستگاه ها گسترش یافت (السلیمی، ۱۹۹۹: ۱۶۹-۱۵۳).

نکته قابل توجه این است که علیرغم شرایط آب و هوایی نامساعد در کویت، اهمیت استراتژیکی این کشور را نباید نادیده گرفت. واقع شدن کویت در نهایی ترین نقطه شمال غربی خلیج فارس و قرار گرفتن این کشور میان سه کشور ایران، عربستان و عراق، از لحاظ جغرافیایی اهمیت خاصی به آن بخشیده است. هم چنین موقعیت سوق الجیشی آن در کنار راه باریک دریایی خور عبدالله و خور موسی در کنار دو کشور ایران و عراق ارزش خاصی به آن بخشیده است. وجود منابع عظیم نفتی و کشف ذخایر گاز طبیعی در کویت نیز از نظر کشورهای صنعتی برای تأمین انرژی جهانی دارای اهمیت زیادی است. سواحل و بنادر کویت نهایی ترین بنادر خلیج فارس هستند که با توجه به منابع عظیم نفت در این کشور اهمیت ویژه آن بیشتر می شود (موسوی، ۱۳۸۵: ۲۱ - ۲۰). اهمیت کویت از این باب است که طول سواحل کویت در خلیج فارس چهار برابر طول سواحل عراق است و این موجب شده که عراق همواره در

فکر الحاق کویت به کشور خود و افزایش طول سواحل خود باشد (کاظمی دینان، ۱۳۸۸، ۲۱۶)

ترکیب جمعیتی کویت

به طور کلی تحولات و تغییرات در شاخص‌های عمده جمعیتی کشورهای منطقه خلیج فارس، در دو بُعد قابل بررسی است: یکی در زمینه تحولات کمی و تعداد جمعیت و دیگری در مورد تحولات در زمینه ترکیب جنسی و بافت قومی (ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس با تأکید بر شیعیان، ۱۳۸۷: ۴۲) در این زمینه کویت از مناطقی است که جمعیت آن ترکیبی از مردم بومی منطقه و مهاجرین ایرانی و غیر ایرانی است و طبق آمار رسمی بیش از چهل درصد و بر اساس برخی از مآخذ، بیش از پنجاه درصد از مردم آن شیعه هستند (جعفریان، ۱۳۷۱: ۴۹). نکته مهم این است که اکثریت شیعیان این کشور را شیعیان دوازده امامی تشکیل می‌دهند و از این لحاظ، از هم‌کیشان ایرانی‌ها محسوب می‌شوند (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۱۵۶). در میان کشورهای منطقه؛ کویت در ترکیب جمعیتی خود جمعیت غیر مسلمان بیشتری را جای داده است. از کل جمعیت کویت، ۸۵ درصد مسلمان و ۱۵ درصد غیر مسلمان و اغلب پیرو دین مسیح و زرتشت می‌باشند. به لحاظ مذهبی نیز اکثریت جمعیت کویت پیرو مذهب تسنن هستند به گونه‌ای که تعداد جمعیت اهل سنت حدود ۴۵ درصد تخمین زده شده است. بعد از جمعیت اهل تسنن، شیعیان بزرگ‌ترین گروه مذهبی کویت محسوب می‌شوند که تعداد جمعیتشان در این کشور حدود ۴۰ درصد تخمین زده می‌شود (ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس با تأکید بر شیعیان، ۱۳۸۷: ۵۸).

گروه‌های شیعه ساکن در کویت

اگر چه شیعیان در برخی از کشورهای منطقه خلیج فارس در اکثریت بوده اما دچار محرومیت‌هایی هستند و ترس از حرکت‌های انقلابی شیعیان به منظور رفع این محرومیت‌ها موجب گردیده مهمترین استراتژی دولت‌ها در قبال شیعیان در انزوا قرار دادن آن‌ها باشد. شیعیان نیز برای رهایی از فشار، به مناطق دورافتاده و ساحلی پناه بردند تا از مراکز سیاسی دور بوده و فارغ از جنجال‌های سیاسی، قومی و مذهبی زندگی گروهی خاص خود را داشته باشند. در برخی از کشورها نیز شیعیان در تلاش بوده‌اند ضعف سیاسی خود را با مشارکت در اقتصاد کشور جبران کنند اما در برخی از مناطق حتی از فعالیت مؤثر در اقتصاد عقب رانده شدند و در مناطق روستایی و دور افتاده به کشاورزی و دامپروری مشغول گشته‌اند (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۱۲۸).

جامعه کویت متشکل از بدوی‌ها یا همان صحرائشینان، شهرنشینان، شیعیان و اهل

تسنن است و عمدۀ آنچه که امروزه شیعیان اصیل کویته به شمار می‌آیند از عربستان (حساوی‌ها)، بحرین (بحارنه) و ایران (عجم‌ها) به کویته مهاجرت کرده و تقریباً در همه جای کویته پراکنده‌اند به گونه‌ای که در بسیاری مناطق، تفکیک آنان از اهل تسنن دشوار است (کویته، ۱۳۹۰: ۳۴) در کویته شیعیان شاعر مذهبی خود را برگزار می‌کنند و همواره عده‌ای از ابناء علم برای ارشاد و تعلیم احکام دین در دسترس مردم قرار دارند (مظفر، ۱۳۷۸: ۳۵۱) همچنین مذاهب مختلف در کویته از آزادی نسبتاً خوبی برخوردار هستند و مسیحیان چندین کلیسا در این کشور دارند. با این وجود شیعیان و دیگر مذاهب برای گسترش مراکز مذهبی و فعالیت‌های تبلیغی با محدودیت‌های آشکاری مواجه هستند. بعلاوه تعداد اندکی از ایرانی‌الأصل‌های بهایی نیز از گذشته در کویته اسکان گزیده‌اند (موسوی، ۱۳۸۵: ۵۰).

علیرغم تلاش‌هایی که شیعیان برای بهبود وضعیت خود انجام داده‌اند و حتی سطح حقوق مطلوبی را در این جامعه به دست آورده‌اند و به رسمیت نیز شناخته شده‌اند اما باید پذیرفت که اهداف این جامعه شیعی با اهداف شیعیان دیگر کشورهای منطقه تفاوت دارد و در واقع «پیشرفته‌تر» است. به عنوان مثال در حالی که هنوز مذهب شیعیان عربستان سعودی به رسمیت شناخته نشده و آنان برای انجام مناسک شیعی و ساخت مسجد آزادی ندارند اما شیعیان کویته این محدودیت‌ها را ندارند (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۳۵ - ۳۳۴). علیرغم حضور نسبتاً فعالانه شیعیان در کویته؛ اما در سال ۲۰۰۰ تنها یک نفر شیعه در هیأت دولت کویته حضور داشت و تعداد مساجد آنان به ۳۰ واحد می‌رسید و در مقابل، اهل سنت ۲۰۰۰ مسجد را در اختیار داشتند (حجار، ۱۳۸۱: ۷۶). البته باید توجه داشت که با وجود این که اکثر شیعیان کویته از شیعیان دوازده امامی هستند اما چهار مکتب مذهبی در آن جا وجود دارد که شامل مکاتب زیر می‌شود: ۱- شیخیه: پیروان شیخ احمد آحسائی هستند که دیدگاه مقدسی در مورد اهل بیت دارد. آن‌ها معتقدند که خدا اهل بیت را مورد فیض قرار داده و به آن‌ها اجازه داده که روزی مردم را توزیع کنند؛ اما این اعتقاد دیگر رایج نیست و هم‌اکنون به آن‌ها در کویته به خاطر نسبتشان با میرزا حسن احقافی، جماعت میرزا اطلاق می‌شود. مهم‌ترین خانواده‌های کویته بارز این گروه؛ خانواده‌های الاریش، خریط، الشواف والوزان هستند. جماعت میرزا به دلیل اتخاذ مواضع بی‌طرفانه در قبال رویداد‌های سیاسی محلی و منطقه‌ای مورد انتقاد مکاتب شیعه دیگر کویته قرار گرفته است ۲- اخباریه: آن‌ها بحرینی و از مقلدان میرزا ابراهیم جمال‌الدین هستند و مهم‌ترین خانواده‌های وابسته به این جماعت خانواده‌های؛ قلاف، خیاط، مکی، جمعه، حاجی حامد می‌باشند ۳ اصولیه: این گروه علاوه بر این که در بین شیعیان کویته

حضور دارند در میان شیعیان کشورهای دیگری مانند عراق، ایران و لبنان نیز هستند (ناصر، ۲۰۱۱: ۱۵۸ - ۱۵۷) جماعتی که بقیه شیعیان کویتی ایرانی تبار را شامل می‌شود و آن‌ها از مجتهد سید ابوالقاسم خوئی که در نجف زندگی می‌کرد تقلید می‌کنند. مساجد زین العابدین، مقامس و مسجد نقی از مراکز تجمع این گروه در کویت به شمار می‌رود. مهمترین خانواده‌های منتسب به این جماعت خانواده‌های؛ موسوی، قبازرد، دشتی، اشکنانی، بهمن، بهبهانی و معرفی هستند (المدیرس، ۱۹۹۹: ۸). علاوه بر این چهار گروه شیعه؛ در کویت مکتب شیعی دیگری وجود دارد که شیرازی نام دارد و با مکتب خوئی رقابت می‌کند. کثرت مدارس فقهی و مذهبی شیعیان کویت؛ موجب کثرت مراجع تقلید می‌شود و عده‌ای مراجع ایرانی را تقلید می‌کنند، عده‌ای نیز از آیت الله سیستانی در عراق و آیت الله محمد حسین فضل الله در لبنان تقلید می‌کنند. از لحاظ قانونی، قانون اساسی کویت برطبق آنچه که به اسم آزادی ادیان تدوین شده به شیعیان حق انجام آزادانه مناسک و مراسم‌های مذهبی را می‌دهد و دولت از انجام فعالیت‌های مذهبی که براساس عادت‌های مرسوم باشد و نظم عمومی را برهم نزند و مخالف با عرف جامعه نباشد حمایت می‌کند اما در واقع شیعیان کویتی به لحاظ برخورداری از آزادی مذهبی در میان شیعیان بحرینی و شیعیان عربستان سعودی در جایگاه وسط قرار دارند؛ آن‌ها از این لحاظ نسبت به شیعیان عربستانی اول و در نسبت با شیعیان بحرینی در جایگاه دوم قرار دارند. البته علماء شیعی کویت از شیوه‌های آموزشی وزارت آموزش و پرورش که در بردارنده مطالب و اشاراتی است که شیعیان را به غیرمؤمن بودن وصف می‌کند؛ شکایت کردند تا این که دولت کمیته‌ای تشکیل داد و اقدام به حذف بخش‌هایی از شیوه‌های آموزشی که در آن‌ها از شیعیان بدگویی می‌شد، کردند. علیرغم تمام این محدودیت‌ها؛ شیعیان کویتی در مقایسه با هم‌تایان شیعه خود در عربستان سعودی از آزادی مذهبی بیشتری برخوردارند (ناصر، ۲۰۱۱: ۱۶۰ - ۱۵۸).

شیعیان کویت و نقش آفرینی آنان در تحولات سیاسی کشور

به خاطر بستر عزلت گرایانه سنتی که مدت‌ها بر زندگی شیعیان تحمیل شده بود اعتراضات سیاسی شیعی آغاز شد و عزلت‌گرایی، تنها یک جنبه از واکنش شیعیان در برابر جهان‌آکنده از ظلم بود. اگرچه رهبران شیعی در طول تاریخ به نوعی از سیاست دوری گزیدند اما همواره در پی انجام فعالیت سیاسی بودند. این فعالیت‌ها از همان آغاز اسلام وجود داشت و هرگاه دولت‌ها دچار ضعف می‌شدند؛ گروه‌های شیعی فعالیت‌های سیاسی خود را شدت بیشتری می‌بخشیدند. باید دانست مشروعیت فعالیت‌های سیاسی؛ بر آیاتی از قرآن و احادیثی از پیامبر (ص) مبتنی بود که مسلمانان و شیعیان را برای مقاومت در برابر حاکمان ترغیب می‌کرد. احیای

تشیع که در دهه ۱۹۶۰م حضور گسترده سیاسی به خود گرفت شکلی از احیای اسلام سیاسی به صورت کلی است و با احیای اسلام سنی در برخی از مقاصد و اهداف سهیم است لذا احیای شیعی را می توان ناشی از احساس قوی بی حرمتی و محرومیت از حق رأی دانست که شیعیان به طور خاص تجربه کردند. اسلام گرایی شیعی بر خلاف اسلام گرایی سنی، از آغاز از مؤلفه قدرتمند رهبری روحانیت برخوردار بوده است و این امر نتیجه طبیعی نقش برجسته ای بود که علما در هدایت جامعه ایفا می کرده اند. عواملی موجب احیای تمایلات شیعی شد از جمله: تجدد، ایدئولوژی های غربی، شکست حکومت های عرب در مسئله فلسطین و انشقاق در جامعه که به دنبال گسترش شهرنشینی و دیوانسالاری غیر سودمند پدید آمد. باید توجه داشت که احیای شیعی در زندگی جامعه شیعه با ویژگی هایی از جمله انزوای دیرین سیاسی، محدود کردن آزادی های مذهبی از سوی حکومت، تضعیف آزادی عمل و استقلال مالی نهادهای مذهبی و تبعیض اجتماعی و اقتصادی فراگیر؛ ریشه دارد (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۶۷ و ۶۶).

به طور کلی ساختار سیاسی کویت به گونه ای است که از یک سو به دلیل نظام سلطنتی موروثی موجود در آن و عدم حضور احزاب سیاسی قانونی؛ نوعی نظام دیکتاتوری در آن دیده می شود و از سوی دیگر آزادی بیان و برگزاری انتخابات و جلسات عمومی مردمی، نظام سلطنتی کویت را به نظام دموکراسی غرب شبیه می کند (میر رضوی و احمدی لفورکی، ۱۳۸۳: ۳۶۱) در این میان، عواملی بودند که شیعیان کویت را به فعالیت سیاسی واداشت از جمله: بروز انقلاب اسلامی ایران که الهام بخش و حامی حرکت سیاسی شیعیان در همه نقاط جهان بود، قلع و قمع حزب الدعوه عراق که فرار بسیاری از اعضای آن به کویت را در پی آورد، پیدایش جنبش های اسلام گرای امل و حزب الله در لبنان و بالاتر از همه حمایت شدید حکومت کویت از عراق طی جنگ ایران و عراق (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۱۱ و ۳۱۰). با توجه به اینکه سیاست رسمی نسبت به شیعه در سراسر منطقه خلیج فارس متفاوت بوده و اغلب در تضاد آشکار با آنچه در مورد بحرین و عربستان سعودی مد نظر قرار گرفته، است (نکاست، ۱۳۸۷: ۶۴ - ۶۳) اما نقشی که شیعیان کویت طی جنگ خلیج فارس در مقابل صدام ایفا کردند تغییر شگرفی در وضعیت آنان پدید آورد و به پذیرش مجدد و بازگشت آنان به درون جامعه کویت و از جمله نظام سیاسی - انجامید (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۱۱ و ۳۱۰). حمله صدام به کویت در سال ۱۹۹۰، موجب شد روابط بین شیعیان کویت و خانواده حاکم سنی مذهب آل صباح در محک آزمایش قرار بگیرد و در حالیکه شیعیان ستون اصلی مقاومت کویت علیه اشغال عراق بودند و فشار و ضربه آن را تحمل کردند؛ اعضای خانواده آل صباح به عربستان سعودی گریختند و تعادل

جمعیتی کشور به نفع شیعیان به هم خورد و شیعیان در مقابل هجوم قوای عراق به شدت ایستادگی کرده و بسیاری از شیعیان به دست قوای اشغالگر عراقی کشته شدند یا به زندان افتادند (نکاست، ۱۳۸۷: ۶۴ - ۶۳). با برگشت آل صباح در پی جنگ خلیج فارس، شیعیان مخالفت خود را علیه خانواده حاکم کنار گذاشتند و با امیر جابر آل صباح بیعت کرده و وی را به عنوان نماد وحدت ملی قلمداد نمودند. این ایستادگی مثبت شیعه نسبت به خانواده حاکم کویت دلایلی داشت از جمله: ۱- ایجاد ملی گرایی در کویت به لحاظ حمله عراق ۲- سیاست مدارای آل صباح نسبت به شیعیان کویت در طول قرن بیستم؛ سیاستی که آن‌ها را از هویتشان باز نداشت. اگرچه آل صباح گاهی علیه شیعیان تبعیض قائل شدند و آن‌ها را از چرخه داخلی قدرت خارج کردند اما جامعه شیعه نقش برجسته‌ای را در اقتصاد ایفا کرد و اعضای آن در پارلمان شرکت کرده و مناصبی را در ارتش و پلیس بر عهده گرفتند. در نتیجه شیعیان کویت به هویت کویتی خود افتخار کرده و این احساس را داشتند که سرنوشت آن‌ها به خانواده حاکم گره خورده است و این واقعیتی است که هم شیعیان و هم مخالفین آن‌ها و همچنین نویسندگان غربی آن را مورد تأیید قرار داده‌اند. لازم به ذکر است بر خلاف حاکمان کویت که تلاش زیادی را در همگرایی شیعیان و دولت مبذول داشته‌اند، خاندان حاکم در عربستان و بحرین اغلب؛ شیعیان را دارای خصومت تلقی کرده‌اند. این مشکل در عربستان سعودی که حاکمان و روحانیون دولتی وهابی، شیعیان را از شمول اسلام خارج کرده به طور خاص قابل توجه است (نکاست، ۱۳۸۷: ۶۴ - ۶۳). در این میان ابراز میهن دوستی شیعیان دو نتیجه در بر داشت: ۱- تردید سنیان را درباره وفاداری شیعیان به کویت کاهش داد ۲- میان جوامع سنی و شیعی همبستگی برقرار ساخت. در واقع تجربه دشوار و مشترک اشغال کویت از سوی عراق، چنان احساس ملیت گرایی را در میان کویتی‌ها قوت بخشید که امروزه نظیر آن را کمتر در کشورهای عربی می‌توان یافت. بازتاب این اتحاد ملی آن بود که بلافاصله پس از جنگ خلیج فارس، شیعه و سنی مشترکاً خواستار احیای قانون اساسی و مجلس ملی شدند. در واقع حتی در زمان اشغال کویت به دست قوای عراقی، شخصیت‌های برجسته شیعه و سنی برای چانه زنی با خاندان حاکم الصباح که در آن زمان به عربستان سعودی پناه برده بودند با یکدیگر متحد شدند و درباره احیای قانون اساسی و پارلمان؛ پس از آزادسازی کویت به مذاکره پرداختند (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۱۱ و ۳۱۰). باید توجه داشت جمعیت قابل توجهی از کویت را شیعیان ایرانی دوازده امامی تشکیل می‌دهند لذا بعضی از محققان شیعیان کویت را به دو گروه تقسیم می‌کنند و معتقدند آن‌ها در این کشور دارای دو بخش اصلی هستند: گروه اول شیعیانی هستند که ایرانی الاصل بوده و گرایش به اصول زبان فارسی دارند که معروف به «عجم» می‌باشند. گروه دوم

شیعیانی می باشند که از شبه جزیره عرب (الاحساء) آمده اند و اصالتاً عرب هستند (ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس با تاکید بر شیعیان، ۱۳۸۷: ۲۲۵).

درباره حضور شیعیان در احزاب و تشکل های سیاسی باید دانست اگرچه قانون اساسی کویت مانع ایجاد احزاب سیاسی نشد اما کویت شاهد ظهور هیچ حزب سیاسی نبود زیرا جامعه کویت بر اساس قبیله شکل گرفته بود (عجیل، بی تا: ۲۴) و علیرغم این که در کویت احزاب موجود، به طور رسمی اجازه فعالیت ندارند اما در سال ۱۹۹۱ و بعد از آزادسازی کویت از اشغال عراق؛ چندین گروه سیاسی رسماً اعلام موجودیت کردند (کاظمی دینان، ۱۳۸۸: ۲۲۱) این گروه ها عبارت بودند از: ۱- تریبون دموکراتیک که با همکاری تعدادی از شخصیت های لیبرال، چپ و ملی گرا در ۲ مارس تشکیل شد. ۲- نهضت قانون اساسی اسلامی که همان گروه «اخوان المسلمین» بود و در ۳۰ مارس ۱۹۹۱ موجودیت یافت. ۳- مجمع نمایندگان که از نمایندگان سابق و مستقل مجلس کویت تشکیل شده بود. ۴- تشکل قانون اساسی که نمایندگی بارزگانان و اتاق بازرگانی را بر عهده داشت. ۵- بلوک اسلامی مردمی که یک گروه اسلام گرای سلفی بود. ۶- مستقل ها (کاظمی، ۱۳۸۴: ۲۳۳) در نگاهی کلی به حضور شیعیان در کویت باید عنوان کرد دولت کویت که سعی دارد به وجهه دموکراتیک آن خدشه ای وارد نشود در مواجهه با نیروی بالقوه شیعیان و ایرانیان مقیم این کشور با سیاست خاصی عمل کرده و به جای اعمال خشونت مستقیم به اخراج آنان متوسل شده و در موارد متعددی به اخراج مجموعه های کارگری از اتباع ایرانی مبادرت ورزیده است. این گونه اقدامات در راستای حفظ ثبات سیاسی و امنیت داخلی کویت صورت می گیرد و در عین حال گویای نگرانی و تشویش خاطر دولتمردان این کشور از رشد و وسعت نهضت بالقوه اسلامی در منطقه می باشد (اسلامی، ۱۳۶۹: ۱۳۵).

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان کویت

همجواری جغرافیایی، قرب تاریخی و دینی ایران با کشورهای عربی از علل کلی تأثیرگذاری ایران بر دیگر کشورهاست. در تعامل انقلاب اسلامی با کشورهای عربی جریانات ذیل نقش مانع یا تشدید کننده را ایفا کرده اند: ۱- مسئله قدس و فلسطین ۲- منازعات اعراب و اسرائیل ۳- مسائل شیعه - سنی و عربی - عجمی بودن ۴- برتری جویی اعراب به لحاظ خاستگاه تاریخی و جغرافیایی اسلامی ۵- مرکز بودن عربستان برای بعثت و مکه و مدینه ۶- موقعیت استراتژیک خاورمیانه عربی و حضور و رقابت جدی قدرت های بزرگ ۷- مقوله نفت ۸- رقابت دیر پای مذهبی، سیاسی و نفتی ایران، عراق و عربستان (حشمت زاده، ۱۳۸۵: ۷۱). در مورد شیعیان کویت باید اذعان داشت اینان که به دنبال پیشرفت و بهره برداری از نفت به آنجا مهاجرت کردند

نیز همانند شیعیان عربستان، همان نوع مسائل را برای امیر کویت ایجاد کردند؛ گرچه کویت حقوق سیاسی به این گروه اعطا کرد (توال، ۱۳۷۹: ۱۰۰). بر این اساس؛ زندگی سیاسی- اجتماعی شیعیان خلیج فارس را باید در دو منطقه سواحل شمالی و جنوبی به صورت جداگانه بررسی کرد: شیعیانی که در سواحل شمالی به سر می‌برند جایگاه و موقعیت مطلوبی دارند. این بخش از خلیج فارس که در کنف حاکمیت جمهوری اسلامی ایران قرار دارد، هم به لحاظ جمعیتی و آماری و هم از حوزه فرهنگی و مذهبی حائز اهمیت است. در واقع شیعیان در این بخش از خلیج فارس؛ هم به لحاظ سیاسی، هم جمعیتی و هم اجتماعی و فرهنگی از جایگاه برتری به نسبت شیعیان منطقه برخوردارند و این برتری، تنها در حوزه منطقه‌ای خلاصه نمی‌شود و چون ایران پایگاه مهمی برای جهان تشیع به شمار می‌آید؛ از جنبه‌های مختلف می‌تواند راهی برای تغذیه شیعیان دیگر نقاط جهان باشد. در سواحل جنوبی خلیج فارس که از آن به شبه جزیره عربستان نیز یاد می‌شود، اوضاع قدری پیچیده‌تر است. شیعیان که به عنوان یک اقلیت مذهبی هستند، بزرگ‌ترین مشکل ژئوپلیتیکی را برای بیشتر کشورهای این بخش فراهم آورده‌اند (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۱۲۷). باید توجه داشت از بُعد خارجی، تغییرات سیاسی در ایران و عراق و نفوذ عربستان سعودی در کویت از عوامل تأثیرگذار بر جامعه شیعی کویت بود (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۳۴۰) اما از بُعد داخلی، گرچه شیعیان در برخی کشورهای منطقه به لحاظ جمعیتی در اکثریت به سر می‌برند ولی در تمام این کشورها به لحاظ سیاسی اقلیتی طرد شده هستند که در طول سالیان طولانی از محرومیت‌های سیاسی، اقتصادی و حتی اجتماعی رنج برده‌اند. نکته قابل تأمل این است که بیشتر آنان در مناطق حساس ژئوپلیتیکی به ویژه مناطق نفت خیز سکنی گزیده‌اند که این حضور از جنبه‌های مختلف برای دولت‌های منطقه مشکل ساز و گاه خطرآفرین است (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۱۲۷). با اینحال، تحول انقلابی در ایران موجب تغییر در اصول و موازین جامعه شیعه کویت شد از رهبر شیعیان وفادار به نظام حاکم گرفته تا جریان شیعه انقلابی که متأثر از انقلاب اصول‌گرایان در ایران بود و این جریان مسیری که رهبر سنتی شیعیان آن را برای دفاع از حقوق شیعه انتخاب کرده بود را رد می‌کرد. همچنین جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، ارتباط شیعیان کویتی را با انقلاب اسلامی ایران عمیق‌تر کرد و این وضعیت به شکل جدی بر همستگی میان جبهه داخلی و وحدت ملی تأثیر گذاشت و شیعیان کویتی از حکومت به علت حمایت از رژیم عراق و قرار دادن تمام امکانات در اختیار رژیم عراق احساس نارضایتی کردند (المدیرس، ۱۹۹۹: ۴۷-۴۶).

به منظور بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان کویت در ابتدا باید تعریف درستی از انقلاب بیان گردد. بر این اساس می‌توان گفت واژه انقلاب مفهومی قدیمی

بوده و تعاریف گوناگونی پیدا کرده است. از نظر لغوی، انقلاب به معانی زیر آمده است: دگرگون شدن، برگشتن، تغییر و تحول، تغییر کامل و مشخص شدن در چیزی، دوره‌ای از تغییرات دورانی که بازگشت به نقطه اول دارد. بر این اساس شهید مطهری انقلاب را عبارت از طغیان و عصیان مردم یک ناحیه و یا یک سرزمین علیه نظم حاکم موجود برای ایجاد نظمی مطلوب می‌داند. دکتر علی شریعتی نیز انقلاب را عمل اکثریت مردم که به صورت تجلی اراده جامعه که طالب حق تعیین حاکمیت و مسئولیت بر سرزمین خویش است؛ می‌داند (محمدی، ۱۳۷۳: ۲۸ و ۳۰).

بیداری اسلامی که از ابتدای شکل‌گیری تا نیمه اول قرن بیستم، در برابر نظام سلطه مقاومت می‌کرد با وقوع انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره)؛ شتاب فزاینده‌ای به خود گرفت و گستره جغرافیایی آن نیز افزایش یافت. در واقع انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی شد که بعد از مدت‌ها رکود؛ باعث بیداری مسلمانان گردید. مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی ایران این بود که ساختار نظام سلطه را که عمدتاً بر اساس ابزار قدرت مادی شکل گرفته بود با تکیه بر ابزار معنوی قدرت بر هم زد و نشان داد که می‌توان با تکیه بر ارزش‌های اسلامی و حرکت‌های توده‌ای؛ جامعه را اداره نمود و از آنجا که انقلاب اسلامی ایران انقلابی فرهنگی بوده؛ برای خود رسالتی جهانی در ترویج و توسعه ارزش‌های فرهنگی اسلامی و مقابله با همه ارزش‌های مادگراییانه سکولاریستی شرقی و غربی قائل می‌باشد و نقطه قوت انقلاب اسلامی تکیه بر ارزش‌های متعالی اسلامی بود. بر این اساس صدور انقلاب در واقع صدور فرهنگ انقلاب بوده که برقراری عدالت و آزادی و برابری ملت‌ها را نوید می‌داد (محمدی، ۱۳۸۶: ۲۴۰ و ۴۷-۴۶).

انقلاب اسلامی ایران که به منبع آگاهی و الهام جریان شیعی منطقه تبدیل شد؛ اکثریت قریب به اتفاق شیعیان کویت را در بر می‌گرفت. این جریان شیعه مورد حمایت خط امام خمینی، اولین پیروزی خود را با از میان برداشتن جریان شیعه محافظه کار که بر انجمن فرهنگی اجتماعی سلطه داشت؛ به دست آورد اما در حقیقت نشانه‌های درگیری بین دو جریان قبل از ظهور انقلاب اسلامی ایران آغاز شد. در سال ۱۹۶۸ تعدادی از جوانان شیعه عضو انجمن به حرکت در آمدند و خواستار نوسازی و ضرورت رهبری انجمن از سوی جوانان شدند. این درگیری میان جریان جوانان و جریان بنیانگذار انجمن که مورد حمایت خانواده‌های تجار شیعه بود تا سال ۱۹۶۹ که در نهایت جریان جوانان توانست جریان بنیانگذار را از میان بردارد و رهبری انجمن را به دست بگیرد، ادامه یافت. با وجود روند نوسازی در انجمن و کنار رفتن بنیانگذاران آن، انجمن فرهنگی اجتماعی به سیاست خودش در پرهیز از مخالفت سیاسی در کویت ادامه داد. به نظر می‌رسد هدف پشت پرده کنترل انجمن از سوی

جریان جوانان در تغییر چهره‌ای بود که در رویکرد این جریان نمایان شد و این جریان دیگر وارد مسائل سیاسی در صحنه کویت نشد. اما با وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ جریان دیگری که رویکردهای کاملاً متفاوتی داشت توانست رهبری انجمن را به دست بگیرد و به نظر می‌رسد که این جریان تحت تأثیر خط امام خمینی بود (المدریس، ۱۹۹۹: ۲۳). در واقع بعد از انقلاب اسلامی ایران بود که شیعیان کویتی به عنوان دوستان تاریخی حکومت به دو جریان تقسیم شدند: ۱- جریان سنتی که به لحاظ منافع اقتصادی به حکومت مرتبط بود و مواضع انعطاف‌پذیری را در قبال حکومت اتخاذ می‌کرد و خواستار بعضی اصلاحات اجتماعی، اقتصادی، و مذهبی بود ۲- جریان انقلابی که تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران بود و خواستار سقوط آل صباح و تغییر حکومت به شیوه ایران بود و در این چارچوب جریان سنتی توانست که بر انجمن فرهنگی و اجتماعی مسلط بشود و جریان محافظه‌کار را از رهبری آن کنار بزند. شیعیان متأثر از انقلاب اسلامی ایران نیز مواضعشان را به اشکال مختلف نشان دادند که مهم‌ترین آن شرکت در تظاهراتی بود که از انقلاب اسلامی حمایت کردند و همچنین عزیمت هیئت شیعه کویتی به ایران برای تبریک به رهبر انقلاب (المدریس، ۱۹۹۹: ۲۴). به طور کلی در تغییر جهت‌گیری شیعیان کویت از اتحاد با رژیم به سمت مخالفت و از مسالمت و آشتی به سمت خشونت پس از انقلاب اسلامی ایران سال ۱۹۷۹، دو نتیجه وجود دارد: نتیجه اول همان استفاده از زور و قدرت در برخورد با شیعیان بود به اعتبار این که آن‌ها ستون پنجم حمایت از ایران هستند، به ویژه این که کویت در بین عربستان سعودی، عراق و ایران قرار گرفته بود (توال، ۲۰۰۷: ۱۲۵) و حکومت کویت برخی از شیعیان را به عنوان دشمن و تهدیدی واقعی برای خود قلمداد می‌کرد به خصوص در پرتو نگرش و دیدگاه‌های ابراز شده از سوی جناح‌های شیعه در براندازی رژیم کویت که در نتیجه آن جلوه‌های آزار و اذیت و تبعیض علیه شیعیان افزایش یافت و بسیاری از آن‌ها از نیروهای مسلح و پلیس کویت اخراج شدند و تعداد آن‌ها در مجلس ۱۹۷۵ از ۱۰ نماینده به ۴ نماینده در مجلس ۱۹۸۱ و به ۳ نماینده در مجلس ۱۹۸۵ کاهش یافت. تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان کویت تنها به تبدیل اتحاد با حکومت به سمت مخالفت با آن محدود نشد و به تغییر گرایش آن‌ها به سمت خشونت گسترش یافت و در این چهارچوب طی دهه ۸۰ میلادی صحنه کویت شاهد موجی از فعالیت‌های خشونت‌آمیز بود که عناصر شیعه به دست داشتن در آن‌ها برای بی‌ثبات کردن کشور متهم شدند به طوری که تا آستانه ترور امیر کویت در سال ۱۹۸۵ پیش رفتند (ناصر، ۲۰۱۱: ۲۱۷). البته این اتهامی بود که وزارت امور خارجه آن را رد کرد. با این وجود باید دانست انقلاب اسلامی ایران به عنوان نقطه عطفی در شکل‌گیری رابطه میان شیعیان و حکومت کویت بود و شاید

از موارد مهمی که می‌توان در این زمینه به آن اشاره کرد تشکیل هیئتی از روحانیان و رهبران شیعه است؛ این هیئت در حالی برای تبریک به امام خمینی عازم تهران شد که رهبران سنی از این هیئت کنار گذاشته شدند با وجود اینکه مواضع آن‌ها در تأیید و حمایت از انقلاب بود (یاسین و دیگران، بی تا: ۶۲۲). نتیجه دوم همان افزایش فرقه‌گرایی در عرصه سیاسی و اجتماعی کویت بود؛ غانم النجار در این رابطه اشاره می‌کند که فرقه‌گرایی به شدت در انتخابات مجلس که در ۲۳ ژانویه ۱۹۸۱ برگزار شد وجود داشت و این امر علت‌های مختلفی داشت از جمله بسیاری از نامزدهای سنی و شیعه این انتخابات به نوعی درگیر فرقه‌گرایی شدند. همچنین تشویقی که شیعیان کویتی در پیروزی انقلاب اسلامی ایران دیدند جامعه سنی را بر آن داشت که نگران وضعیت خود باشند. همچنین علاوه بر آن مشارکت سیاسی فعال از جانب هر دو گروه شیعه و سنی باعث شدیدتر شدن ابعاد فرقه‌گرایی شد (ناصر، ۲۰۱۱: ۲۱۸).

نکته قابل توجه این است که تا پیش از دهه‌ی ۷۰ تا زمانی که برخی از رهبران حزب دعوت اسلامی و برخی علمای دیگر که به خط مشی سیاسی در جریان اسلام معتقد بودند؛ در گریز از ظلم حکومت بعثی عراق، اقامت در کویت را برگزیدند؛ حرکت اسلامی شیعی ای با نشانه‌ها و اصول و اهداف مشخص وجود نداشت. چنین نظامی کوچک‌ترین ارزشی برای علمای دین و اشراف عراق قائل نبود و از بکارگیری بسیاری از شیوه‌های ظلم و اعمال عملیات سرکوب و شکنجه علیه آنان و برخی مبلغین فعال فروگذار نمی‌کرد. در رأس آن رهبران مهاجر؛ سید محمد بحرالعلوم و سید محمد شیرازی و شیخ علی کورانی و شیخ محمد مهدی آصفی و دیگران بودند. این مبلغان وظیفه داشتند تا آگاهی و بینش حرکتی و فکری عمیق و منظمی که امری بی سابقه در عرصه‌ی مسلمانان کویت به شمار می‌آمد را اشاعه دهند و این آگاهی به موفقیت آنان در جذب گروه‌های بزرگی از جوانان متعصب و پر شور که به سن انتخاب و گزینش رسیده بودند، منجر گشت تا آنان با تکیه بر خط مشی دعوت در جهت افزایش تعداد انصار و یاران، به عنوان نتیجه‌ای که به تولد پیشگامان نخبه در فعالیت سیاسی مسلمانان کویت می‌انجامد؛ به میادین فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بپیوندند و در نتیجه نیروی جوان بزرگ و پایبندی؛ به عقاید اسلامی به وجود آمد که نمایندگان مناطق حوزه‌های شیعی را مشخص و تعیین نمود و این جوانان در عملیات استرداد عرصه از سرشناسان شیعه و بزرگان خانواده‌های شاخص با مشکلی مواجه نشدند. چنین به نظر می‌رسد که دهه‌ی ۷۰ مهم‌ترین معیار جهت بررسی پیشرفت فعالیت سیاسی شیعه به طور کلی، و مداخله در حکومت از طریق قوه‌ی قانونگذاری به شکل ویژه می‌باشد (الخالدی، ۱۹۹۹: ۱۰۳ و ۱۰۱).

در طی این سال‌ها؛ کویت که از سیاست‌های توسعه‌طلبانه و تجاوزگرانه عراق

احساس نگرانی می‌کرد سیاست دوگانه‌ای را در روابط خود با ایران در پیش گرفت به نحوی که از یک طرف دولت کویت خواستار بهبود روابط خود با ایران بود و از طرف دیگر از مطامع توسعه‌طلبانه عراق نسبت به ایران حمایت می‌کرد. به عبارت دیگر کویت در صدد بود تا با برقراری مجدد روابط با ایران، توازن در روابط خود با دو کشور بزرگ منطقه خلیج فارس یعنی ایران و عراق برقرار کند (جعفری ولدانی، ۱۳۶۹: ۱۱۱-۱۱۰) با این وجود، موفقیت احزاب سیاسی شیعی در عراق باعث اوج گرفتن فعالیت‌های سیاسی شیعیان کویت نیز شد و در همین راستا بود که پنج گروه شیعی کویتی اعلام کردند ائتلاف واحدی برای مشارکت در انتخابات ۲۰۰۷ تشکیل داده‌اند. «عبدالواحد خلقان» دبیر کل «ائتلاف تشکل‌های ملی» اعلام کرد: «این ائتلاف به مجموعه مذهبی محدود نیست و علاوه بر مسائل مربوط به شیعیان کویت، به مسائل ملی نیز خواهد پرداخت». عبدالواحد خلقان همچنین اشاره نمود که آن‌ها در چارچوب قانون اساسی کویت فعالیت خواهند کرد و به طور خاص به مسئله تبعیض مذهبی در پست‌های دولتی و اماکن عبادی خواهند پرداخت. در واقع ورود شیعیان عراق به فضای فعال سیاسی خاورمیانه؛ به لحاظ سیاسی الگوی تازه‌ای را در کنار الگوی شیعی ایران پدید آورد. مجموعاً؛ حکومت جمهوری اسلامی ایران، گروه‌ها و شخصیت‌های شیعی عراق و حزب الله لبنان به عنوان نیروهای عمده شیعه منطقه خاورمیانه مطرح شدند لذا به منظور ایجاد بستر برای تحرک نیروهای شیعی؛ اصلاح نهادها و نظام موجود در جهت دموکراسی امری بسیار ضروری بود و این کار مستلزم آزادی ارتباطات، آزادی بیان و فعالیت‌ها است. بعلاوه، کنار گذاشتن سیاست‌های پیشین، اجرای طرح‌های جدید امنیتی و اقتصادی به منظور تداوم صلح برای همزیستی منطقه‌ای باعث بهبود موقعیت ژئوپلیتیکی شیعیان شد (ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس با تأکید بر شیعیان، ۱۳۸۷: ۲۳۸).

باید توجه داشت وقوع انقلاب ایران و سقوط شاه موجب نگرانی دولت کویت شد و رهبران کویت در حالیکه نگران ثبات و امنیت رژیم خود به خاطر صدور ارزش‌های انقلاب ایران بودند، امریکا را به خاطر کوتاهی در نجات شاه مقصر قلمداد می‌کردند (جعفری ولدانی، ۱۳۶۹: ۱۵۶) و لذا در بدو پیروزی انقلاب اسلامی ایران جامعه شیعه کویت بیشتر به صورت یک جنبش سیاسی توده‌ای متحد درآمد (جیل، ۱۳۷۸: ۱۵۸) و اگر چه کویت در وهله نخست موضع صریح خصمانه علیه جمهوری اسلامی اتخاذ نکرد اما به مرور زمان و پس از استقرار و تثبیت جمهوری اسلامی و مشخص شدن خط مشی دولت انقلابی در مقابل ابر قدرت‌ها و اعلام سیاست نه شرقی نه غربی؛ به عنوان زیر بنای سیاست خارجی جمهوری اسلامی و اقدام غرور آفرین دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در جهت اشغال لانه جاسوسی، در روابط بین کویت و دیگر

اقرار آمریکا در منطقه با ایران تغییراتی حاصل شد و به تدریج دوستی ظاهری اولیه به دشمنی مبدل گشت به طوری که با آغاز جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه ایران، دولت کویت بر خلاف آن که مدعی یک سیاست مستقل ملی و بی طرف و علاقمند به اصل احترام متقابل به حقوق ملل و دول جهان بود، حمایت خود را از رژیم عراق اعلام داشت و مطبوعات و رادیو تلویزیون کویت تماماً در اختیار ستاد تبلیغاتی رژیم عراق قرار داشت (اطلاعاتی درباره کویت، ۱۳۶۲: ۱۲۱) و به طور آشکار و پنهان از رژیم عراق حمایت کرده و برای تضعیف و شکست جمهوری اسلامی دست به اقداماتی زد از جمله می‌توان به کمک ۴۰ میلیارد دلاری کویت به عراق اشاره نمود (اسلامی، ۱۳۶۹: ۱۵۷).

امواج نشأت‌گرفته از پیروزی انقلاب اسلامی ایران؛ که پیام بیداری و آزادی طلبی مسلمانان و مبارزه با حکومت‌های غیر صالح در کشورهای اسلامی را به همراه داشت، حکام کشورهای اسلامی و عربی منطقه خاورمیانه و حوزه خلیج فارس را در جبهه‌ای مخالف با انقلاب و جمهوری اسلامی، به یکدیگر نزدیک نمود. با وجود این که حکام اغلب کشورها پیام انقلاب اسلامی را برای موقعیت خویش خطر و تهدیدی جدی تلقی کردند اما فقط تعداد معدودی از آن‌ها از جمله عراق، اردن و مصر، به طور آشکار و علنی به ضدیت و مخالفت با آن پرداختند و اقدامات خصمانه‌ای علیه جمهوری اسلامی انجام دادند. سایر کشورهای اسلامی و عربی با رعایت ظواهر و حفظ صورت روابط عادی با ایران، ترجیح دادند که تلاش‌های خود را بر محدود کردن دامنه انقلاب اسلامی به مرزهای ایران و جلوگیری از صدور پیام آن به درون مرزهای خود، متمرکز سازند (اسلامی، ۱۳۶۹: ۹). شیعیان کویت که مانند هم‌تایان خود در عربستان سعودی و بحرین در حاشیه و انزوا نبودند و تحت آزار و اذیت قرار نگرفته بودند؛ جذب رویکردهای انقلاب اسلامی ایران شدند و تحت تأثیر آن قرار گرفتند و این مسئله دو علت داشت: ۱- عامل اول این است که نسبت عربی شیعیان کویت بر اساس غلبه اصالت ایرانی بر آن مورد شک و تردید جریان ملی‌گرای عرب بود به همین دلیل پیروزی انقلاب اسلامی ایران را به منزله ضربه‌ای بر جریان ملی‌گرا که بعد از شکست ۱۹۶۷ وضعیت وخیمی داشت، دانستند ۲- عامل دوم موضع حکومت کویت درباره انقلاب اسلامی ایران بود که بر ضد آن ایستاد و بعد از آن با تمام قوا از عراق در جنگ با ایران حمایت کرد (ناصر، ۲۰۱۱: ۲۱۳). در جریان انقلاب اسلامی ایران بود که یکی از وزیران کویت نگرانی خود را از انقلاب اسلامی چنین بیان داشت: «تصور نمی‌شود که انقلاب ایران مشروعیت سیستم حکومتی کویت را بپذیرد. آن‌ها (ایرانیان) شیعه‌گری را هم تحت عنوان پان‌اسلامیسم و هم تحت عنوان پان‌ایران‌یسم صادر می‌کنند... من تصور می‌کنم که آن‌ها از شیعیان به عنوان ستون پنجم در میدان‌های نفتی استفاده

می‌کنند». این برداشت مقامات کویتی از شیعیان، مشابه نظرات زمامداران عراق است که همیشه شیعیان را ستون پنجم ایران نامیده و به این اتهام به اخراج آن‌ها مبادرت کردند. اما در این زمان ایران از درخواست کویت برای عضویت در سازمان ملل متحد پشتیبانی کرد (جعفری ولدانی، ۱۳۶۹: ۸۳ و ۴۹).

باید توجه داشت علیرغم مخالفت و ترس دولت کویت از ورود اندیشه‌های انقلاب ایران به این کشور؛ اما آثار پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) بر جامعه شیعیان کویت خیلی زود بروز نمود و تفکر اسلام انقلابی را در میان شیعیان رشد داد و به تدریج بر پیروان خط امام افزوده شدند. دولت کویت که از این حرکت به هراس افتاده بود سختگیری علیه شیعیان را در پیش گرفت (سیفی، ۱۳۸۶: ۷۳) زیرا یکی از نگرانی‌های عمده مقامات رژیم کویت وضعیت شیعیان و ایرانیان در این کشور بود. پیروزی انقلاب اسلامی برای رژیم کویت این تصور را پیش آورد که بر اساس ماهیت مذهبی این انقلاب؛ شیعیان ایرانی و غیر ایرانی مقیم کویت، انگیزه سیاسی لازم برای انسجام و تحرک سیاسی و مذهبی را به دست آورده و ثبات این کشور را بر هم خواهند زد. البته باید توجه داشت روابط عراق و کویت؛ به خصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و آغاز جنگ عراق علیه ایران، به خاطر قرار گرفتن این دو کشور در برابر کشوری که در تحلیل نهایی آن‌ها دشمن مشترک محسوب می‌شد؛ رو به گرمی و نزدیکی گذارد و نه تنها موجب همراهی و حمایت کویت از عراق در خلال سال‌های جنگ شد بلکه باعث گردید اختلافات دیرینه دو کشور در خصوص مسائل مرزی و ارضی نیز تحت‌الشعاع همکاری و نزدیکی‌های آن دو قرار گیرد (اسلامی، ۱۳۶۹: ۱۸۶ و ۱۳۲).

انقلاب ایران که روحیه انقلابی را در میان شیعیان کویتی و بخصوص قشر جوان انتشار داد موجب بروز حرکت‌هایی در میان شیعیان گشت از جمله در تظاهراتی که توسط جوانان کویتی صورت گرفت پرچم شاهنشاهی از ساختمان سفارت پایین کشیده شد و پرچم دیگری که روی آن عبارت الله اکبر نوشته شده بود برافراشته شد (المدریس، ۱۹۹۹: ۲۳). این تظاهرات اولین حرکت مردمی به شمار می‌رود که خواستار رهبری دینی شیعیان در کویت از سال ۱۹۳۸ بود و این حرکت سیاسی یک نوع جهش کیفی برای شیعیان محسوب می‌شد به ویژه اینکه این تظاهرات منجر به درگیری شیعیان و نیروهای ویژه امنیتی شد که تلاش می‌کردند مانع تظاهرات شوند و تعدادی از شرکت کنندگان در آن را دستگیر نمایند. سرانجام پس از سقوط رژیم شاهنشاهی، سید عباس مه‌ری سرپرستی هیئت مردمی که شامل تعدادی از رهبران انجمن فرهنگی اجتماعی و برخی از روزنامه نگاران به منظور دیدار از ایران می‌شد را بر عهده داشت. این هیئت، تبریک و حمایت خودش را نسبت به انقلاب اسلامی ایران ابراز کرد و با آیت

الله خمینی رهبر انقلاب در تهران دیدار کرد (النفیسی، ۱۹۸۹: ۲۴) بعلاوه افرادی در کویت تلاش می کردند از طریق نزدیک شدن به مقربین انقلاب، به انقلاب اسلامی جدید نزدیک شوند و این ارتباطات با دیدار دکتر احمد خطیب با دکتر علی شمس اردکانی و محمد رمیحی با سید عباس مهری آغاز شد. این دو دیدار؛ با چشم پوشی از فکر و اندیشه شخص امام خمینی، حول چگونگی انتقال تجربه انقلاب، عناصر و عوامل اصلی نهضت‌های مردمی و همچنین مشارکت همه گروه‌های ملی و اسلامی ایران به کویت از طریق آگاه سازی هموطنان کویتی با استفاده از تجربه این انقلاب بود. با توجه به مشارکت انقلاب کبیر اسلامی در تقویت نقش سید عباس مهری و یاران و اطرافیانش در بین فرزندان شیعه کشور؛ فعالیت محور دوم با نمایندگی تعدادی از منتخبین فرهنگی فعال و موثر همراه سید مهری به وسیله تعامل (فعالیت) آشکار و پشی گرفتن بر دیگران در رقابت بین رویدادهای جدیدی که به سرعت و به شکلی گسترده در حال اتفاق افتادن بودند، آغاز شد. در همان هنگام این گروه نشستی را برگزار کردند و در این نشست به هدف خود که بررسی راه‌های نتیجه گیری (برداشت ثمره) از اجتماع مردم در دفتر سید عباس مهری مبنی بر علاقه‌مندی آن‌ها به انقلاب و تأیید انقلاب اسلامی جدید بود، نزدیک شدند. این جلسات با احیا فکر حاکمیت بر شورای مدیریت مجمع فرهنگی و اجتماعی آغاز شد ولی به خاطر مخالفت اکثریت ناکام ماند. مخالفت آن‌ها به این اعتبار بود که این تفکر یک حمله سیاسی به دستاوردهای دیگران و برداشت ظالمانه نتیجه رنج‌ها و تلاش‌های آنان است و همچنین اصل این تفکر با راه امام که معتقد است با مردم باید بدون موانع حزبی تعامل مستقیم داشت - باید با مردم بی واسطه در تعامل بود- مغایرت داشت. به همین خاطر به این فکر افتادند که از مسجد شعبان برای برگزاری سلسله نشست‌های اجتماعی که در آن همه حزب‌ها و گروه‌های سیاسی و حامیان تفکرات مختلف در شنیدن مشکلات مردم و ایجاد راه حل برای آن‌ها مشارکت دارند، بهره‌مند شوند (الخالدی، ۱۹۹۹: ۱۱۴). به طور کلی از خصوصیات بارزی که در تفکر سیاسی شیعیان کویت تأثیر گذار بود می توان به موارد ذیل اشاره نمود: اولاً حرکت اجتهادی و تأثیر آن بر فضای دینی کویت از آنجا که به عنوان مثال ظهور ویژه‌ی آیت الله سید محسن حکیم در عراق و نقش اطرافیان فرهیخته وی امثال شیخ محمد مهدی شمس‌الدین و سید محمد بحر العلوم و سید مرتضی عسکری و برخی علمای دیگر امثال سید محمد شیرازی، بازتاب مثبت و وسیعی بر تقدیس و احترام حرکت علما نزد شیعیان کویت داشت در حالیکه علمای منسوب به گروه دعوت اسلامی در آغاز دهه‌ی هفتاد تأثیر بیشتری بر شکل گیری تفکر سیاسی عقیدتی نزد شیعه در صحنه‌ی کویت داشتند. ثانیاً توجه به ساخت مساجد شیعه در دهه‌ی ۶۰ و ۷۰ و نقش آن در کمک به جذب

عده‌ای از علمای برجسته‌ی دینی چون سید محمد مهدی شیرازی و شیخ علی کورانی از نتایج مثبتی که حضور این علما در پی داشت توجه بسیاری از ابناء گروه به مبانی و افکار اسلامی در فعالیت اجتماعی محلی و دیگر نتایج منفی آن، ایجاد روحیه‌ی تنش و برخورد میان جوامع شیعه‌ی موافق و معارض خط مشی شیرازی و کورانی بود (الخالدی، ۱۹۹۹: ۱۰۳).

نتیجه‌گیری

کشور کویت در سال ۱۹۶۲ به استقلال رسید و خاندان آل صباح از این سال تا هم اکنون بر آن حکومت می‌کنند. کویت یکی از کشورهای نفت خیز حاشیه خلیج فارس است که با داشتن ۹۴ میلیارد بشکه نفت خام، صاحب تقریباً ۱۰ درصد ذخایر نفت خام دنیا می‌باشد. به دلیل سلطه صنعت نفت بر اقتصاد کویت، سایر بخش‌های غیر نفتی این کشور مانند کشاورزی و صنعت، نقش کمتری را در اقتصاد ایفا می‌کنند. جمعیت شیعه کویت بخش مهمی از جامعه کویت را تشکیل می‌دهد. شیعه بر اساس نژاد و ریشه به دو دسته تقسیم می‌شوند: شیعه عرب تبار و شیعه ایرانی تبار. شیعیان عرب تبار از شبه جزیره عربستان و مشخصاً از منطقه شرقی کشور عربستان سعودی هستند که به خاطر نسبتشان به منطقه الاحساء به آن‌ها «حساویه» اطلاق می‌شود و همچنین گروه دیگر شیعیان عرب تباری هستند که از بحرین به کویت مهاجرت کردند و به آن‌ها «البحارنه» اطلاق می‌شود. به اضافه گروه اندکی از شیعیان عربی که از جنوب عراق وارد شدند. اما شیعیانی که از ایران آمده‌اند به آن‌ها عجم اطلاق می‌شود و آن‌ها بخش مهمی از جمعیت شیعه کویت را تشکیل می‌دهند. علیرغم این که شیعیان درصد قابل توجهی از جمعیت کویت را تشکیل می‌دهند اما از حقوق سیاسی و انتخاباتی محروم بودند و در مناصب سیاسی و نمایندگی مجلس هیچگونه حضوری نداشتند اما با تلاش‌ها و پیگیری‌های مستمری که داشتند سرانجام توانستند در مجلس کویت راه یافته و پس از گذر از دوره‌های انتخاباتی مختلف توانستند نقشی درخور را ایفا نمایند. زنان شیعی کویت نیز در حال حاضر در مجلس کویت حضوری فعالانه داشته و در تحولات سیاسی کویت نقش قابل توجه دارند. البته نباید از نظر دور داشت پیروزی انقلاب اسلامی در بیداری شیعیان کویت نقش موثری داشته است به گونه‌ای که پیروزی انقلاب ایران، روحی تازه به کالبد جنبش‌های شیعی بخشید. در حقیقت با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، انعکاس انقلاب اسلامی ایران در جای جای کشورهای منطقه به ویژه کشورهایی که بیشتر جمعیتشان شیعه است و از جمله در کشور کویت و به ویژه شیعیان که بیش از دیگران در انزوا به سر می‌بردند دیده شد، گویی نوید پیروزی شنیدند و در همنوایی با این ندا به پا خواستند. در واقع پیروزی انقلاب

اسلامی موجب شد که رستاخیز شیعه ابعاد گسترده‌تری به خود بگیرد و در جنبش‌های شیعی و فعالیت‌های شیعیان کویت و دیگر کشورها نمود پیدا کند

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- اسلامی، مسعود (۱۳۶۹): بررسی موقعیت کشورهای کوچک در روابط بین‌الملل؛ ریشه‌یابی مواضع و عملکرد کویت در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تهران، نشر همراه اطلاعاتی درباره کشور کویت، اداره اول سیاسی، خردادماه ۱۳۶۲
- امیر ابراهیمی، عبدالرضا (بی تا): خلیج فارس، بی جا، پژوهشگاه علوم انسانی توال، فرانسوا (۱۳۷۹): ژئوپولیتیک شیعه، ترجمه دکتر علیرضا قاسم آقا، تهران، نشر آمن
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۴): تحولات مرزها و نقش ژئوپولیتیک آن در خلیج فارس، تهران، قومس
- جعفریان، رسول (۱۳۷۱): جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه در جهان اسلام، قم، انتشارات انصاریان
- جواهری، محمد خلیل (۱۹۶۱): کویت امروز، ترجمه ابوالقاسم امامی، بی جا، ناشر محمد خلیل جواهری
- جیل، کریستال (۱۳۷۸): نفت و سیاست در خلیج فارس؛ حکومتگران و بازرگانان در کویت و قطر، ترجمه ناهید اسلامی و شاپور جور کش، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران؛ بنیاد مستضعفان و جانبازان
- حجار، سامی (۱۳۸۱): امریکا در خلیج فارس؛ چالش‌ها و چشم‌اندازها، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی، چاپ اول، تهران، ابرار معاصر
- حشمت زاده، محمد باقر (۱۳۸۵): کتاب تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- ژئوپولیتیک منطقه خلیج فارس (با تأکید بر شیعیان)، مؤلف: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۷): تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
- سیفی، حسن (۱۳۸۶): آشنایی با کشور کویت، تهران، انتشارات مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی
- فولر، گراهام؛ فرانکه، رند رحیم (۱۳۸۴): شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده، ترجمه خدیجه تبریزی، قم، انتشارات شیعه‌شناسی، چاپ اول
- فیلی رودباری، لواء (۱۳۳۵): کویت (کتاب سبز)، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

کاظمی دینان، سید مرتضی (۱۳۸۸): علل خیزش شیعیان حاشیه جنوبی خلیج فارس (عربستان سعودی، بحرین، کویت)، قم، شیعه شناسی

کاظمی، زهرا سادات (۱۳۸۴): اصلاحات در کویت: کتاب خاورمیانه ۵ (ویژه اصلاحات در خاورمیانه)، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران

کویت، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزات امور خارجه (۱۳۹۰): تهران، انتشارات وزارت امور خارجه

متقی زاده، زینب (۱۳۸۴): جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس، قم، موسسه شیعه شناسی

مجتهد زاده، پیروز (۱۳۷۷): شیخ نشین های خلیج فارس، تهران، موسسه مطبوعاتی عطایی

محمدی، منوچهر (۱۳۷۳): تحلیلی بر انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات امیر کبیر

محمدی، منوچهر (۱۳۸۶): آینده نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات

مظفر، محمد حسن (۱۳۷۴): تاریخ شیعه، ترجمه دکتر سید محمد باقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم

موسوی، سید جعفر (۱۳۸۵): سیمای کویت امروز با نگاهی به روابط دو جانبه با جمهوری اسلامی ایران، کویت، سفارت جمهوری اسلامی ایران در کویت

میر رضوی، فیروزه و احمدی لفورکی، بهزاد (۱۳۸۳): راهنمای منطقه و کشورهای حوزه خلیج فارس، تهران، موسسه فرهنگی ابرار معاصر

نکاست، اسحاق (۱۳۸۷): شیعیان در جهان عرب مدرن (عراق، لبنان و حوزه خلیج فارس)، ترجمه ارسلان قربانی شیخ نشین، تهران، دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

منابع عربی

توال، فرانسوا (۲۰۰۷): الشیعه فی العالم: صحوه المستبعدین و استراتیجیاتهم، ترجمه نسیب عون، بیروت: دار الفارابی

الخالدی، سامی ناصر (۱۹۹۹): الاحزاب الاسلامیه السیاسیه فی الکویت (الشیعه و الاخوان السلف)، الکویت، الناشر دار النبا للنشر و التوزیع

السلیمی، جواد؛ عدنان، اکبر (۱۹۹۹): المیاه الجوفیه فی دوله الکویت، کویت، مؤسسه الکویت للتقدم العلمی

عجیل، امل (بی تا): قصه و تاریخ الحضارات العربیه (الکویت، البحرین)، بیروت، بی نا

المدریس، فلاح عبدالله (۱۹۹۹): الحركه الشيعيه فی الکویت، الکویت، دارقرطاس

للنشر

النفيسى، عبدالله (١٩٨٩): الحركه الاسلاميه: زويه مستقبله اوراق النقد الذاتى، الكويت، مكتبه المدبولى
ناصر، شحاته محمد (٢٠١١): سياسات النظم الحاكمه فى البحرين و الكويت و السعوديه فى التعامل مع مطالب الشيعيه (٢٠٠٣-٢٠٠٨)، بيروت، مركز دراسات الواحد العربيه ياسين، باروت، طياره؛ بوعلى، محمد جمال، محمد نجاتى (بى تا): الحزاب و الحركات القوميه العربيه، الكويت، المركز العربى للدراسات الاستراتيجيه



پرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی